

... خود غلط بود آنچه می‌پنداشتیم

ذ- در لایحه تنظیم و تصویب آیین‌نامه‌هایی پیش‌بینی شده‌است:

آیین‌نامه هیات نظارت (مواد ۳۳ و ۳۷)، آیین‌نامه ماده ۵۵ (در مورد تردید نسبت به صلاحیت وکیل)، آیین‌نامه دادرای انتظامی (ماده ۱۰۵)، آیین‌نامه ماده ۱۲۱ (تعلیق وکلا و بالاخره آیین‌نامه نحوه رسیدگی دادگاه‌های تجدیدنظرانتظامی.

به موجب تبصره الف ماده ۱۴۴، تصویب این آیین‌نامه‌ها در اختیار رییس قوهقضاییه است. ملاحظه می‌شود این آیین‌نامه‌ها مربوط به مهم‌ترین امور کانون‌هاست. از طرفی مصوبات رییس قوهقضاییه با توجه به قانون جدید دیوان عدالت اداری، قابل شکایت و ابطال نیست. صرف‌نظر از اینکه این عدم قابلیت تعرض -به طور کلی و در همه امور- تا چه اندازه منطقی و قابل قبول باشد، درخصوص کانون‌های وکلا غیرقابل قبول و مغایر استقلال آنهاست.

اصولا ایسن پدیده را که تصمیمات مقامی غیرقابل شکایت و ابطال باشد، نمی‌توان پذیرفت زیرا همه ما در معرض خطا و نسیان هستیم.

۶- ظاهرا مجاری تدوین و تصویب لایحه وکالت به صورت سریال‌های پر رمز و راز تلویزیونی در آمده که در آنها افراد کارهایی می‌کنند که از آنها انتظار نداریم. یک حقوقدان غیروکیل لایحه استقلال کانون وکلا را که تا سال ۱۳۷۶ دوام آورد، حدود ۶۰سال پیش تصویب کرد. یک غیرحقوقدان و غیروکیل متنی را که درصدد محو استقلال کانون‌ها بود، به متنی قابل قبول تبدیل کرد و حالا دولتی که برای اولین بار در تاریخ، در رأس آن یک حقوقدان وکیل حضور دارد و موضوع مورد بحث هم مستقیما مربوط است به دو مقام دیگر دولت که هر دو وکیل هستند، چنین متنی را برای تقدیم به قوه مقننه تدارک دیده است! آیا باید گفت من از بیگانگان هرگز ننالم- والله اعلم.

روسیه؛ پیگیر «ائتلاف ضدائتلاف»

نکته اساسی در اعتراضات روسیه و بی‌توجهی غرب است. روسیه با استفاده از فضای بین‌المللی درصدد بهره‌گیری از این فضا برای تشکیل ائتلاف ضدائتلاف است. در اوج بحران اوکراین با حضور در جام جهانی برزیل اجلاس سران گروه بریکس را ترتیب داد و بخشی از توجهات جهانی را از مساله اوکراین دور کرد. سازمان همکاری‌های اقتصادی اوراسیا را با قزاقستان و بلاروس فعال کرد و این بار با بهره‌گیری از اجلاس شائگه‌ای می‌خواهد در دوشنبه علیه ائتلاف آمریکا با هم‌پیمانان منطقه‌ای، رشته عملیات را به‌نفع سوریه به هم‌پیمان خاورمیانه‌ای خود تغییر دهد.

روسیه درپی تحریم‌های کم‌رشدن غرب علیه مسکو، اکنون توجه خود را به ایران جلب کرده و از یاد برده است که در بدترین شرایط که ایران به حمله نظامی از سوی غرب تهدید می‌شد و هرازگاهی زلزال‌های روسیه، ایران را از حمله هوایی آمریکا می‌ترساندند و تاریخ جعلی حمله را اعلام می‌کردند، برخلاف تعهد رسمی خود به تهران، از تحویل سیستم دفاعی موشکی «اس-۳۰۰» به ایران امتناع کرد.



«راه خدا راه نجات خلق هاست. راه آزادی انسان هاست. راه خدا نه به طرف آسمان هاست و نه شرق و نه غرب نه جنوب و نه شمال، راه خدا همین است. در همه آیاتی که درباره جهاد، هجرت و مبارزه آمده قید فی‌سبیل‌الله است. اولاً برای اینکه جهادها و کوشش‌ها از جهت خودخواهی، تحمیق و به‌بندکشیدن نباشند فقط برای نجات انسان‌ها برای نجات همه مردم برای گشودن بندهاست. برای آزادکردن انسان‌ها برای برداشتن سدها، سدهایی که مردم را از هم جدا کرده و راه خدا و راه تعالی را بسته است. سبیل خدا همین راه نجات مردم است. والا انسان گوشه‌ای بنشیند و در افکار و اندیشه و خیالات خود فروبرد و تنها تسبیح بگوید؛ این از نظر انسان منشأ تقرب به خدا نیست. چه بسا کسی که در ظاهر به زبان سبحان‌الله می‌گوید و در درون و اندیشه‌هایش نقش‌های شیطانی است. چپ‌سا انسانی که با تسبیح الله‌تکبر می‌گوید اما مال و ثروت و قدرت‌طلبی و شهوات در هر چیزی دارد چپ‌سا انسانی که به زبان در گوشه خانقاهی مسجدی لاله‌الله می‌گوید و در اندیشه‌اش صدهایت برای خود می‌تراشد. چپ‌سا انسانی که به‌تنهایی الحمدلله می‌گوید ولی در درون، آلوده به هر گونه رذایل خلقی واندیشه‌های پست است. آنچه راه خلاست جهاد فی‌سبیل‌الله است. سبیل مردم، سبیل خداست.»
سالن اجتماعات «کانون توحید» درحال پرشدن است درحالی‌که صدا و تصویر «محمود طالقانی» در سالن طنین افکنده. صدایش رسا و محکم است. دوربین او را نمای پایین نشان می‌دهد. «طالقانی»، ایستاده سخنرانی می‌کند و عصای هم به دست راست دارد، بدون اینکه به آن تکیه کرده باشد.

مراسم ۱۵م آیین سالگرد درگذشت او بعد از هفت‌سال با پخش بخشی از خطبه‌های او در یکی از نمازجمعه‌های دانشگاه تهران در سال ۵۸ آغاز می‌شود. «طالقانی» آیه‌ای از قرآن می‌خواند و از حذف کلمه «مرگ» از زبان و اندیشه می‌گوید: «بزرگان، محققین و فلاسفه برای تشکیل مدینه فاضله و برای امری که در راه تحقق چنین اجتماع بزرگ و عظیم و انسانی‌ای هستند، می‌گویند باید کلمه مرگ از چنین اجتماعی حذف شود. همان‌طوری که از زبان باید حذف شود از اندیشه هم باید رانده شود.»

امربه‌معروف از دیدگاه طالقانی

مراسم پنج‌سخنران دارد. مجری در فاصله بین هر سخنرانی، بخشی‌هایی از سخنان منتخب «طالقانی» را می‌خواند با اشاره‌ای به خاطره‌ای از او می‌کند، آن هم درحالی‌که هربار از او با نام «پدر طالقانی» یاد می‌کند. می‌گویند، قرار بوده به‌رسم سال‌های قبل، مراسم در حسینیة ارشاد برگزار شود که میسر نشده است. با نقل سخنی از «طالقانی» که گفته بود: «امربه‌معروف ونهی ازمنکر لازمه جامعه آزاد است و خیال نکنید که اگر عدلی را برای مجلس خبرگان یا شورای اسلامی انتخاب کردید، وظیفه شما تمام شده بلکه باید با تمام شعور و چشم و گوشتان مراقب اعمال اینها باشید» ترتیبی را به پسر ارشد طالقانی می‌سپارد. سخنران بعدی هم رییس شهرهای بافت در دوران تبعید «طالقانی» به این شهر است، که هر دو از خاطرات خود می‌گویند.

«ابوالحسن طالقانی» پسر ارشد با اشاره به اینکه «بیشتر دوران نوجوانی و جوانی ما، آقا در دسترس نبود و در زندان و تبعید بهسر می‌برد» گفت: هر وقت کسی سراغ ما می‌آید

که خاطره‌ای از ایشان تعریف کنید، ما توصیه می‌کردیم که دوستان و هم‌پندان ایشان بروند» او نه‌بایت به ذکر خاطراتی از پدر، برگرفته از اسناد ساواک که توسط سازمان اسناد انقلاب اسلامی منتشر شده، پرداخت. سرهنگ «احمد خرازچی» دربارۀ همکاری‌هایی که در دوران تبعید«طالقانی» با او داشته سخن گفت؛ درباره نامه‌هایی که مخفیانه و دور از بازبینی ساواک به دست «طالقانی» می‌رسانده و اینکه برخلاف دستور، مانع رساندن اسامی و گزارش ملاقات‌کننده‌های «طالقانی» به دست ساواک شده بود. او بعد از انقلاب فرمانده ژاندارمری کرمان می‌شود.

کفر و دین از نگاه طالقانی

«علی قاسمی» پژوهشگر حوزه روشنفکری دینی، سخنران بعدی بود که درباره پروژه دینی «طالقانی» صحبت کرد. او ابتدا اشاره‌ای به وضعیت آن دوران جامعه کرد که رویکردها ایدئولوژیک و روش‌ها انقلابی و رادیکال بود. او در ادامه گفت: «طالقانی از نظر مذهب ایمانی به جهان قدیم گرایش داشت. ایمان در یک‌بستر سنتی، فرهنگی و تاریخی فرا داده شده و به طالقانی و امثال او رسیده بود اما صورتی که به خود گرفته بود متناسب با مقتضیات زمانه بود. نگاه او بیشن قرآنی وجودی است؛ با قرآنی صدرایی و از نظر مبانی معرفتی به عقل فطری قابل است‌اما آن را برای هدایتگری کافی نمی‌داند و حتماً باید به عقل پیروز از خودش رجاع دهد». «قاسمی» افزود: «او از حیث روش‌شناختی به پراکسیس و عمل انسان‌ساز قایل است. نتیجه کارش این است که قرآن را از قبرستان به صحنه جامعه آورد. با پیشن قرآنی، آن تلقی‌های خرافی را زود و هدایت قرآنی را راهنمای عمل و زیست آدم‌ها دشت. تلقی او از ایمان و مذهب، تقلید دین به متافزیک نبود. طالقانی آیات قرآن را در بستر مبارزه و حل تضادهای اجتماعی، سیاسی و انسانی وارد کرد یعنی دیدش نسبت به هستی اجتماعی آنقدر وسیع بود که آن را در متن هستی و تاریخ می‌دید».

«قاسمی» افزود: «اگر زندگی طالقانی را به سه مرحله تقسیم کنیم می‌شود گفت که «طالقانی» از نظر دوره زندگی بعد از تاثیرپذیری از مبانی مدرنیستی که شامل تجربه‌آوری و علم‌باوری بوده است، از سال ۴۴ که بعد که در بستر مبارزه و زندان قرار می‌گیرد رویکرد ایدئولوژیک در او رسوب می‌کند و در نهایت به لحاظ روش‌شناسی به پراکسیس می‌گراید و با رادیکالیسم مذهبی پیوند می‌خورد. او افزود: «طالقانی» از نظر منبع معرفتی در چارچوب سنت قرار نگرفت. دو منبعی بود؛ از نظر روش، هم ایمان را به‌عنوان یک روش در جهت فهم وجود و هم عقل را در جهت تفسیر و پاسخگویی به نیازهای زمانه به کار برد. حتی در روش تلقی‌اش از کفر و ایمان، برخلاف سنتنی‌ها که تجلی و تعارض این ذهنیت مومن کافر کردن که ریشه فقهی داشت، در طالقانی نبود. او افزود: «آن زمان «حنیف‌نژاد» «شریعتی» و «طالقانی» سه نفری بودند که نگاهشان را به کفر و ایمان از نگاه سنتی جدا کردند و جهان‌بینی توحیدی را مطرح کردند. مصادیقی که از این دیدگاه‌برمی‌خواست در حیات اجتماعی مبارزات معنا داشت. مصداق کافر شامل حال آن کسانی نمی‌شد که خدا

را نفی می‌کردند.» به گفته قاسمی:

«در دوره طالقانی کسانی بودند که به خدا اعتقاد نداشتند اما به لحاظ فلسفی وحدت‌گرا بودند و از آن سو، افرادی که در ظاهر به خدا معتقد بودند اما در صحنه حیات اجتماعی به نابرابری و شکاف طبقاتی صحنه می‌گذاشتند. کسانی بودند از همین جاح راست که می‌گفتند اگر فقیر نباشد ما مجبور تکالیف مذهبی خود را مثل صدقه و… را ادا کنیم. اینها به افراد اهل مبارزه تهمت می‌زدند که کافزند»

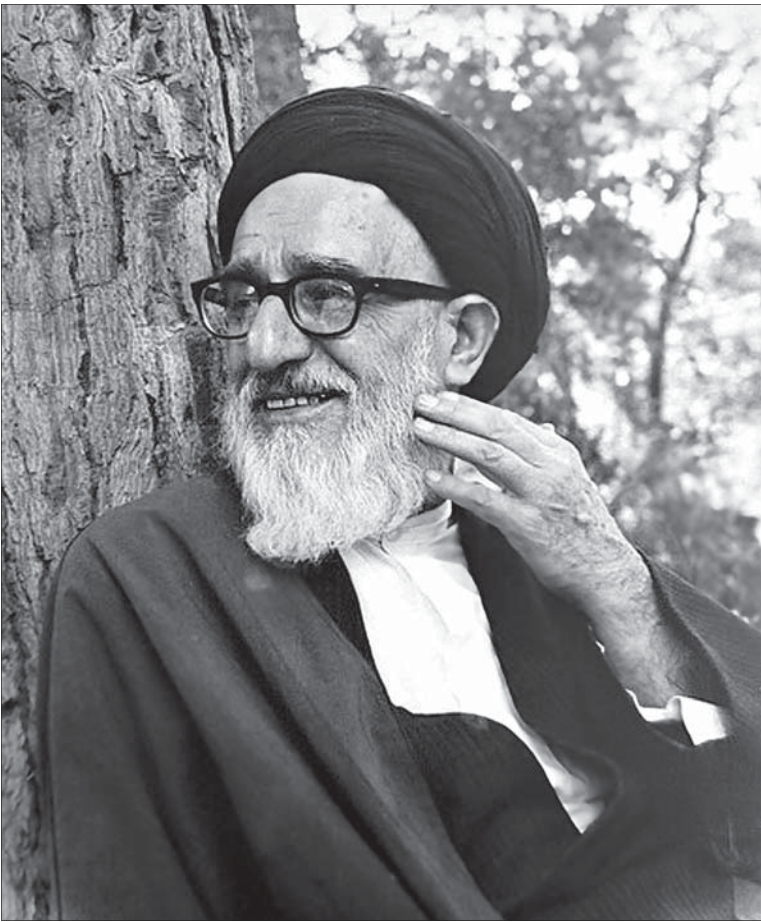
او گفت: «روشی که اشاره کردم طالقانی و شریعتی و حنیف‌نژاد در

سیاست

بار دیگر طالقانی

بزرگداشت نخستین امام جمعه تهران پس از ۷سال وقفه برگزار شد

مهسا جزینی



برخورد با مسایل داشتند حاکی از این است که چگونه تغییر نگاه در صنفبندی اجتماعی و در جابه‌جاکردن تضادهای نقش داشت. یکی از نمایندگان بلافضل رویکرد سنتی معتقد بود که سرمایه‌داری و مارکسیسم دو لیه قیچی‌اند اما شریعتی گفت سرمایه‌داری دشمن است اما مارکسیسم رقیب است و با این شاخص، صنفبندی را عوض کرد» او افزود: «کسانی که به تضاد و نابرابری صحه می‌نگارند مشر کاندۀ نه کسانی که در عرصه نظری به وحدت قایل‌اند اما در عرصه اجتماعی نه». «قاسمی» با اشاره به اینکه کاری به درستی یا نادرستی این نگاه ندارم، افزود: «می‌خواهم بگویم دو روش در تغییر نگاه و جهت‌گیری به قدر ارزش دارد که نیروهایی که رفتند پشت گفتمان اول به مارکسیسم‌ستیزی گرفتار شدند. اما نیروهایی که شریعتی آزاد کرد پشت مارکسیسم‌ستیزی نرفتند بلکه فضای گفتمو گرو را باز کردند. طالقانی هم می‌گفت همه مبارزه‌های ضداستعماری، توحیدی است اینها اینطور شاخص‌ها را عوض و تضاد را حل می‌کردند و مایه برکتی شدند و نگران این نبودند که اینطور دین آسیب می‌بیند چون دین را صرفاً در معنویت و متافزیک نمی‌دیدند»

او با اشاره به اینکه «الان پارادایم زمانه متفاوت از دوران طالقانی و شریعتی است»، گفت: «روشنفکران دینی هم باید به این تغییرات توجه کنند و مسایل جدیدی که نیاز زمانه است موردتوجه قرار دهند، همان‌طور که امثال طالقانی پروژه روشنفکری دینی را در زمان خودشان بر اساس مقتضیات زمانه خود پیش بردند این دوره هم روشنفکری دینی باید پروژه دوره خودش را رقم بزنند»

وظیفه روشنفکری دینی در دنیای امروز

سخنران دیگر مراسم مجتهدبستری بود. او گفت: «واقعاً خوشحال هستم که بعد از هفت‌سال انحطاط فرهنگی دولت گذشته به خصوص انحطاط فرهنگی سیاسی، که از تجدید خاطره با مردان بزرگ گذشته محروم شده بودیم این فرصت مختصر فراهم آمده که به یاد یک مرد بزرگ، حضرت آقای طالقانی دور هم جمع شویم و یادی از او بکنیم» او با بیان اینکه «در پنج یا شش دهه گذشته در همه جهان اسلام تفاسیر جدیدی از اسلام و مسلمانن ارایه شده‌است»، گفت: «در ایمن مدت در هر کشور معتبر اسلامی کسانی بوده‌اند که حرف جدیدی در فهم دین زده‌اند. در مصر تفسیرهای اخوان‌المسلمین، در ترکیه تفسیر سید قطب و در ایران هم مرحوم آیت‌الله علامهطباطبایی و طالقانی تفاسیر جدیدی ارایه کردند. احزاب سیاسی ریشه‌دار امروز با گرایش دینی هم در آن دوره شکل گرفتند. این قراتها و تفسیرها اما انواع و اقسام دارد از مثبت تا منفی. داعش هم از این ریشه است. او هم دارد از اسلام تفسیر می‌کند. این کافی نیست که بگوییم القاعده ربطی به اسلام نداشت. این حرف‌ها دیگر خریدار ندارد. آنها هم نماز می‌خواندند و روزه می‌گرفتند و تفسیر خودشان را داشتند و می‌گفتند اسلام من این است، «مجتهدبستری» افزود: «اما در مرحله‌ای قرار داریم که درعین حال که استفاده‌های فراوانی از این تفسیرهای

جدید داشته‌ایم باید بازنگری انتقادی‌ای از این تفسیرها داشته باشیم. وظیفه یک مسلمان هوشیار در جهان فعلی این است که ببیند این تفسیرها به چه چیزهایی منتهی شده‌اند، آثار خوب و بد اینها چه بود؟ چه مقدارش قابل قبول است و چه مقدارش نیست. این اجتناب‌ناپذیر است.» شبستری گفت: «دینی که نمی‌تواند خودش را درست در دنیا عرضه کند در بحران است. علمایی که نتوانند دین را به‌گونه‌ای عرضه کنند که لوث‌ها و پلیدی‌هایی که امروزه به آن جسیبده پاک شود تفکرشان دچار بحران است. تفکر علمی‌ای دینی اگر دچار بحران شود آن دین دچار بحران می‌شود. دین منهای آنچه علمای آن دین می‌گویند چیزی در فضا و فضا و نیست، الان نوبت به این رسیده که از علمای دین سوال شود خدا سخن می‌گوید یعنی چه؟ امروزهی می‌کند یعنی چه؟ الان روز حساب پس دادن است. اینکه بنشینیم به گذشتگانمان افتخار کنیم و بگوییم ما چنین شخصیت‌هایی داشته‌ایم دردی را دوا نمی‌کند. ما در مرحله‌ای هستیم که آنچه در این چند دهه گذشته به ما گفته شد کفاف زندگی مسلمانی ما را در این دنیای مدرن نمی‌دهد. چه طالقانی چه طباطبایی چه رهبر فقید انقلاب گفته باشند» او افزود: «فرض است بر کلیه کسانی که نوعی اثر گذاری دارند، چه در مقامات سیاسی و چه فرهنگی در هر کجای جهان اسلام که استرات بازاندیشی نیرومند همه جانبه را درباره آنچه در چند دهه گذشته درباره اسلام گفته‌اند، بزنند. باید تجدید حیات و هویت کنیم و گرنه در زیرخوارها حوادث این جهان پرتلاطم ما مسلمان‌ها دهن خواهیم شد» او با اشاره به اینکه واتیکان در دهه ۱۹۶۰ متوجه شد خطر، مسیحیت را تهدید می‌کند و برای همین نشست بین‌المللی مسیحیت را که به نام واتیکان دو معروف شد تشکیل داد، افزود» همه را جمع کردند و چندین سال طول کشید مشکلاتشان را یکی‌یکی حل کردند و آموزه‌هایشان را شسته و رفته کردند و آنچه لازم بود تولید کردند. ما فکر می‌کنیم در دین دیگر نمی‌شود تولید کرد. الان محال است شما وارد کلیسایی در یکی از شهرهای دنیا بشوید و ببینید که کشیشی خرافه‌ای بگوید، اما در تهران ما و اردیووتلویزون ما چه خبر است؟ گاهی من خرافه‌هایی به گوشم می‌خورد که تعجب می‌کنم. اوایل انقلاب این حرف‌ها نبود. باید به فکر نجات اسلام از افکار عقب‌مانده و بیان‌های غیرقابل دفاع و خرافه‌ها و قنوه‌ای ضدانسانی و ضدحقوق‌پیشری بود. باید به فکر تفکر روشن دینی به منظور صاف کردن جاده صحیح تفکر سیاسی عقلانی بود تا مجالی پیدا شود نسل آینده ما بتواند صحیح فکر کند و در سیاست صحیح عمل کند»

طالقانی و نفی خشونت

«مهدی جعفری» هم‌بنده دوران زندان «طالقانی» و قرآن‌پژوه هم با ذکر خاطره‌ای از دادگاه گفت: ««طالقانی» بار دهمکویت خود و دیگران در دادگاه، حکومت پهلوی را محکوم کرد» او با اشاره به اینکه آیت‌الله طالقانی سال ۱۳۱۸ از قم به تهران آمد گفت: «ایشان در تهران نرفتند مسجدی دست‌وپا کنند و آن را وسیله‌ای برای امررمایش خود کنند بلکه قرآن و نهج‌البلاغه را به دست گرفتند و میان جوانان و روشنفکران آمند. خدا رحمت کند زنده‌باد مهندس بازرگان که همیشه این مساله» را یادآوری می‌کرد که امتیاز بزرگ طالقانی این است که وقتی با ما هم در جلسه بود و کنارمان بود هم او از ما تاتر می‌پذیرفت و هم ما از او و کسی نبود که خودش را بالاتر از همه بداند و دیگران را پایین‌تر از خود» او افزود: «در زندان وقتی برخی جوانان به قرآن مراجعه می‌کردند برخی از روحانیون زندانی می‌گفتند حالا کارتان به جایی رسیده که ما اینجا حضور داریم و شما مستقیم به قرآن مراجعه می‌کنید درحالی‌که طالقانی می‌گفت قرآن برای همه نازل شده است و خطاب به همه می‌گوید تدبر کنید تدبر یعنی بررسی و نقد و شبهه‌داشتن، نه پذیرفتن.» او با ذکر خاطره‌ای از آیت‌الله منتظری در همین‌باره گفت: «آیت‌الله منتظری می‌گفتند که وقتی خداوند به ملائکه گفت که می‌خواهم در زمین خلیفهای قرار دهم، ملائکه گفتند آیا کسی را در زمین قرار می‌دهی که فساد می‌کند و خون می‌ریزد درحالی‌که ما تو را تقدیس می‌کنیم. خداوند خطاب به آنها گفت من مقدس نمی‌خواهم، من آدم می‌خواهم.» او افزود: «ایشان در طول زندگی خود پیوسته نگران و در اندیشه این بود که آیا رسالت خودش را در قبال خدا و خلق انجام داده است یا نه. او هرگز نه‌تنها در مقابل دوست بلکه در برابر مخالف فکری خود به خشونت متوسل نشد و آنها را بیرون از دایره انسانیت ندانست، در زندان و بیرون زندان به فکر مردم بود. برخی او را طرفدار عدای می‌دانند یا سرزنش می‌کردند که ساده بود. درحالی‌که اصلاً این طور نبود بلکه همه را فرزندان خود می‌دانستند.» «جعفری» افزود: «در زندان عدای مارکسیست‌ها را نجس می‌دانستند ایشان می‌گفت چرا نجس هستند؟ می‌گفتند چون خدا را قبول ندارند. می‌گفت مگر شما که خدا را قبول دارید چگونه قبول دارید؟ با آنها نشست و بر خاست

می‌کرد و غذا می‌خورد» روزی تازه آقای برقعی که عضو سازمان افسران حزب توده بود از تبعید به زندان قصر آمده بود. آقای طالقانی در حیاط زندان قصر عدای از افسران حزب توده را دیدند به آنها گفتند آقای شما را آوردند. آنها گفتند آقای ما شما هستیید خیلی خوشحالیم که شما را می‌شناختیم به مارکسیسم رونمی‌آوردیم، ما اسلام را از آخوند سر کوچه شنیدیم و بیزار شدیم. راورسم ایشان راورسم قرآنی بود و همه برایشان احترام قایل بودند»



محمد باجستانی، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و نماینده سابق مجلس شورای اسلامی

اطلاعات

یادداشت: «دولت جدید عراق و چالش‌های پیش‌رو»، ابوالقاسم قاسم‌زاده
تشکیل هیات دولت از سوی نخست‌وزیر جدید، موفقیت برای همه گروه‌های سیاسی در عراق خوانده شده است که آن را تشکیل دولت مرکزی در بغداد در موقعیت بحرانی در این کشور خوانده‌اند. به صورت سنتی، ۱۷وزارتخانه به شیعیان، هشت‌وزارتخانه به سنی‌ها و پنج‌وزارتخانه به کردها اختصاص داده شد...
عراق امروز مرکز زورآزمایی و فشارها از بیرون شده است و اندکی خطای سیاسی و مدیریتی، از این کشور، سوره دیگری خواهد ساخت که سال‌ها جنگ و تخریب، تجربه تلخ آن خواهد بود. عبادی نخست‌وزیر عراق با گذر موفق از مرحله اول در تشکیل دولت وحدت ملی وارد مرحله دیگر، تسریع در پایان‌بخشیدن به امواج حرکت تروریستی و تخریبی داعش شده است که نباید طولانی و زمان‌پذیر گردد. برای این مرحله، عراق امروز نیازمند کمک است. جمهوری اسلامی ایران در این راستا نقش محوری و مهم دارد. ایران خواهان ثبات، امنیت و حفظ یکپارچگی و استقلال عراق است و سیاست جمهوری اسلامی ایران، کمک بزرگی به موفقیت دولت وحدت ملی در آن کشور است.

ایران

یادداشت: «معامله بر سر سلامت چند می‌آورد؟»؛ محمدرضا عریزی

اقدام رسانه‌هایی که در نام خود نیز مدعی حمایت از سلامت و تندرستی مخاطبان هستند در تبلیغ محصولات شرکتی که در اشاره‌ها و اطلاعیه‌های وزارت بهداشت، محصولات لبنی تولید می‌کند که سلامت‌مصرف‌کنندگان را به مخاطره می‌افکند چگونه قابل توجیه است؟ آیا این دوستان نباید حرمت نامی که بر خود نهاده و مخاطبان با اعتماد به آن ممکن است مصرف‌کننده محصولاتی باشند که تبلیغ می‌کند را نگه دارد؟ چاپ و انتشار ویژه‌نامه‌های رنگی و برزرق‌وبرق با محتوای تبلیغ محصولاتی که از سوی مراجع نظارتی و بهداشتی، به‌عنوان محصولاتی پرخطر معرفی شده‌اند که بیش از حد مجاز از روغن پالم استفاده کرده‌اند، به وسیله یک موسسه انتشاراتی و اقتصادی چه توجیهی دارند؟ آیا این به معنای کاسبی و معمله با سلامت مردم نیست. طبیعی است که خطاکاران و شرکت‌های تولیدی در معرض اتهام نهادهای نظارتی، برای تیرنه‌خود و پیشگیری از دست‌دندان اعتباری که خود بانی آن بوده‌اند این‌روزها پیشنه‌های وسوسه‌کننده و نان و آب‌آذاری به رسانه‌ها دارند. آیا پذیرش این پیشنه‌ها به معنای شراکت در جرمی که سلامت مردم را مورد تهدید قرار می‌دهد، نیست؟

اعتراض

سر مقاله: «دفاع از درخواست آقای رحیمی»

نم‌های که روزهای گذشته از سوی آقای محمدرضا رحیمی، مع‌اول احمدری‌زاد خطاب به ریاست قوهقضاییه منتشر شد، واجد نکات قابل‌تاملی است... اعتراض آقای رحیمی این است که اتهامات ریز و درشت زیادی علیه وی زده شده که عموماً هم علنی شده است و دادگاه بهترین محل برای دفاع از خودش نزد افکارعمومی بوده است. بنابراین او را از این حق محروم کرده‌اند. این اعتراض نیز وارد است... فرض کنیم که حکم بدوی وی در مرحله تجدیدنظر هم تأیید شد و مطابق قانون، حکم باید علنی شود. از این مرحله متهم حق دارد که دفاعیات خود را منتشر کند؛ اگر نه که این ظلمی آشکار است و اگر بلن، پس در این صورت چرا اصل دادگاه نباید دادگاه علنی شود؟... پیشنهاد می‌شود که به درخواست آقای رحیمی رسیدگی شود و حکم غیرعلنی‌بودن دادگاه نقض شود و در این مرحله فیلم دادگاه با حداقل کيفرخواست و دفاعیات متهم و پرسش و پاسخ‌های دادگاه در اختیار افکارعمومی قرار گیرد. انجام چنین کاری به‌نفع جامعه است. در غیر این صورت این پرونده هیچ‌گاه ختموه نخواهد شد. مهم‌تر از ختموه‌شدن رسمی پرونده در دادگستری، ختموم‌شدن آن نزد افکارعمومی است.



گزارش: «تجدیدنظرطلبان در حمله به اسلام از قصاص به حجاب رسیدند؛ محمد اسماعیلی
همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد با تحقق شرایط جدید، موج توهین به مقدسات اسلامی و باورهای انقلابی آغاز شد و طی ۱۳‌ماه گذشته روندی صعودی را تجربه کرد و امروز وارد فاز تازه‌ای شده و پیش‌بینی می‌شود در طول ماه‌های آتی گستره بیشتری به‌خود بگیرد. با بررسی عملکرد رسانه‌های وابسته به این جریان طی ۱۳‌ماه گذشته می‌توان از حرکت زیرپوستی و هوشمندانه تئوریسین‌های این جبهه با هدف تغییر باورهای مردم» و «عادی‌سازی توهین به مقدسات اسلامی و انقلابی» پرده برداشت- به این طرح به رسانه‌های زنجیره‌ای تکلیف شده است تا چند هفته‌ای یکبار به صورت یونیتی و دوره‌ای بخشی از احکام شرعی و اسلامی را زیرسوال ببرند و با این حرکت در این مسیر از یک‌سوی انخان عمومی را با ایجاد شبهات جدید از مفاهیم اسلامی رویگردان کرده و از سوی دیگر مقابله با باورهای دینی جامعه را عادی‌سازی و به‌عنوان اصلی روزانه در رسانه‌های داخلی جاسازی کنند. پیشینه سننابروی احمله به مبانی اعتقادی و ارزشی» که در یکسال کنونی در حال پیاده‌سازی است را در هشت‌سال حاکمیت دوم خرداد باید دانست. «ساختراشکنی و حمله به مبانی دینی» از خصوصیات بارز مطبوعات وابسته به حزب مشارکت و سازمان مجاهدین انقلاب طی آن دوره به حساب می‌آید.

^[1] محمد باجستانی، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و نماینده سابق مجلس شورای اسلامی

^[2] محمد باجستانی، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی و نماینده سابق مجلس شورای اسلامی